

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: ش. حمید

ششم می 2013

اشعار برگزیده زنده یاد "داوود سرمد"

(چل و شش)

تشنه

ای سرم سایه وار در قدمت سُرْمِه ام خاک درگه حَرَمَت
هستیم سوخت گرچه از ستمت شاخه های درخت سبزِ غمت

میزند در دلم جـوانه هنوز!

ای هوای غم تو در سر من گل زده زخمِ عشقت از بر من
بس که از خون دیده تر من لاله روید ز روی بستر من

میچکد اشک دانه دانه هنوز!

ای دلم سخت آرزومندت جان من جاودانه در بندت
بر لب من نـوای پیوندت با نسیم بهـار لبخندت

میشگوفد گل ترانه هنوز!

ای که داغ غمت کبابم کرد همدم ساغر و شرابم کرد
آتش رفته رفته آبم کرد پرده ام بُرد و بی حجابم کرد

باورت بر من است یا نه هنوز؟

ای تو پاکیزه تر ز چشمه آب نیست باور مرا به نقش سراب
تشنه ام تشنه، آب خواهم آب من و این ناله های پر تب و تاب

تو و با من سـر بهانه هنوز!

ای که در دوریت قرارم نیست غیر داغ تو در کنارم نیست
جز خیال تو غمگسارم نیست گرچه امید و انتظارم نیست

دیده دوزم به درب خانه هنوز!

لب من را ز شکوه پرهیز است لیک درد تو ناله انگیز است
آتش عشقت آنقدر تیز است کز نگاهم که شعله آمیز است

میکشد هر نفس زبانه هنوز!

ای که از دست تو هلاک شدم چون گل لاله، سینه چاک شدم
سوختم آنقدر که آب شدم داغ تو برده برده خاک شدم

باورت بر من است یا نه هنوز؟